

ناامنی غذایی می تواند به پاشنه آشیل امنیت ملی تبدیل شود



طوسی | مهدی خداوردی، کارشناس امنیت غذایی با تأکید بر نقش کلیدی امنیت غذایی در امنیت ملی، معتقد است اختلال در زنجیره تولید محصولات پروتئینی می تواند به عاملی برای فشار اجتماعی و حتی بهره برداری امنیتی دشمنان تبدیل شود. خداوردی با اشاره به جایگاه امنیت غذایی در نظام حکمرانی کشور به خبرنگار قدس گفت: در ادبیات حکمرانی، امنیت غذایی فقط یک موضوع اقتصادی یا تولیدی نیست؛ بلکه یکی از مؤلفه های بنیادین امنیت ملی به شمار می رود. هرگونه ناپایداری در تأمین کالاهای اساسی به ویژه اقلام پروتئینی، مستقیم معیشت مردم، انسجام اجتماعی و ثبات داخلی را هدف قرار می دهد. وی افزود: در شرایط کنونی، این موضوع اهمیت دوچندانی پیدا کرده است؛ زیرا بر اساس تحلیل های امنیتی، شکل گیری نارضایتی های معیشتی می تواند به بستری برای مداخله خارجی به ویژه از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی تبدیل شود. ناامنی غذایی یکی از مسیرهای جدی دشمن برای تضعیف ثبات داخلی و زمینه سازی فشار یا حتی حمله دوباره است.

افزایش قیمت ها نتیجه اختلال در نهاده ها

این کارشناس حوزه دام و طیور با اشاره به تحولات بازار طی ماه های اخیر تصریح کرد: در ماه های گذشته، قیمت محصولات پروتئینی ازجمله گوشت مرغ، گوشت قرمز، تخم مرغ، شیر و لبنیات در مواردی بیش از ۱۰۰ درصد افزایش داشته است. بررسی ها نشان می دهد عامل مشترک این جهش قیمتی، اختلال جدی در تأمین نهاده های دامی است؛ نهاده هایی که اصلی ترین مؤلفه بهای تمام شده تولید محسوب می شوند.

وی با اشاره به وضعیت گوشت مرغ به عنوان پرمصرف ترین محصول پروتئینی خانوار گفت: نگرانی مرغداران از تأمین نشدن نهاده در طول دوره پرورش، عملاً انگیزه جوجه ریزی را از بین برده است. به گفته خداوردی وقتی تولیدکننده جرئت جوجه ریزی ندارد، یعنی دو ماه بعد بازار با کمبود گوشت مرغ روبه رو خواهد شد. این مسئله خطر حذف بخشی از گله های مرغ مادر و لطمه جدی به زیرساخت تولید کشور را نیز در پی دارد.

خداوردی ادامه داد: در این شرایط دولت سیاست

حذف ارز ترجیحی را بدون داشتن برنامه حمایتی از تولیدکننده در دستور کار قرار می دهد، سیاستی که

با ایجاد کمبود سرمایه در گردش برای مرغداران بر مشکلات قبلی آنها می افزاید. به دلیل فاصله زمانی

حدود دو ماهه میان جوجه ریزی و عرضه گوشت، کاهش

تولید امروز، آثار خود را دقیقاً در دوره های اوج تقاضا

یعنی ماه رمضان و سال نو نشان خواهد داد.

■رمضان و نوروز تقاطع خطرناک عرضه و تقاضا

این کارشناس ادامه داد: به دلیل فاصله زمانی حدود دو ماه میان جوجه ریزی و عرضه، کاهش تولید امروز، آثار خود را دقیقاً در دوره های اوج تقاضا یعنی ماه رمضان و سال نو نشان خواهد داد. اگر سیاست گذار با ابزارهای متناسب با ساختار جدید وارد عمل نشود، بازار مرغ و سایر محصولات پروتئینی با کمبود، التهاب قیمتی و نارضایتی عمومی مواجه می شود.

خداوردی با تأکید بر ابعاد اجتماعی و امنیتی موضوع خاطرنشان کرد: افزایش قیمت و کمبود محصولات پروتئینی مستقیم سفره مردم را نشانه می گیرد و می تواند منجر به نارضایتی های اجتماعی و اعتراض های پراکنده شود. در شرایط خاص فعلی کشور، این نارضایتی ها ظرفیت تبدیل شدن به یک مسئله امنیتی را دارد و دشمنان خارجی دقیقاً روی چنین شکاف هایی حساب باز کرده اند.

در حال حاضر اولویت فوری دولت باید تأمین سرمایه در گردش برای تداوم تولید و همچنین رفع نااطمینانی تولیدکنندگان از طریق تأمین پایدار، به موقع و قابل پیش بینی نهاده های دامی باشد. همزمان، طراحی و اجرای یک برنامه عملیاتی مؤثر برای مهار فشارهای معیشتی و بهبود قدرت خرید مردم ضرورت دارد تقویت و مدیریت فعال ذخایر استراتژیک محصولات نهایی به ویژه در دوره های اوج مصرف (ماه رمضان و نوروز) برای جلوگیری از شوک قیمتی.

مداخلات هدفمند و مقطعی دولت در بازار، نه به صورت قیمت گذاری دستوری نهاده؛ بلکه با هدف مهار بحران های عرضه و پایداری بازار و همچنین پایش مستمر زنجیره نهاده تا محصول از منظر اقتصادی و امنیتی، با توجه به حساسیت محصولات پروتئینی در ثبات اجتماعی باشد.

امنیت غذایی در ساختار جدید اقتصادی، نه با کنترل دستوری قیمت نهاده؛ بلکه با پیش بینی پذیر کردن محیط تولید و محافظت هدفمند از قدرت خرید مصرف کننده حفظ خواهد شد.

بررسی سیاست حذف ارز ترجیحی و مسیر دشوار یکسان سازی ارز در ایران

تک نرخی شدن ارز؛ پایان رانت آغاز اصلاحات سخت



با حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی و نزدیک شدن نرخ رسمی به بازار آزاد، دولت گام مهمی برای مهار فساد ارزی برداشت، اما تداوم آن بدون سیاست های مکمل و جبران معیشتی ممکن نیست

رساننده که اصلاحات، نه از سر اختیار بلکه از سر اجبار انجام می شود تا امکان حداقلی برای مدیریت اوضاع باقی بماند.

او در عین حال تأکید می کند: در این چارچوب، مزایای حرکت به سمت تک نرخی- یا دقیق تر، حذف نرخ رانتی - از معایب آن بیشتر به نظر می رسد. دولت اساساً توان تأمین میلیاردها دلار ارز با نرخ ۲۸ هزارو ۵۰۰ تومان را نداشت. وجود فاصله زیاد و حدود ۱۰۰ هزار تومانی میان این نرخ و بازار آزاد به معنای زبانی عظیم برای دولت و مردم بود و چنین زبانی به اراقامی می رسید که عملاً ادامه این سیاست را ناممکن می کرد. محاسبات دولت و سازمان برنامه و بودجه نشان داده امروز به پشتوانه همین اصلاح نرخ، امکان افزایش حقوق یا پرداخت های جبرانی حتی برای همه گروه ها وجود دارد، هرچند حتی خود سیاست گذار نیز می داند که این مسیر (پرداخت جبران به همه) همیشگی نیست و همچنان حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد خانوارها نباید مشمول چنین پرداختی باشند.

معاون اسبق ارزی بانک مرکزی در همین حال عوامل روانی و تنش های فعلی را ریشه اختلاف ۱۰ تا ۱۲ هزار تومانی نرخ رسمی و آزاد ارز (پس از تک نرخی شدن) می داند و معتقد است بازار هم در حال تعدیل نرخ در پی حس نااطمینانی، خروج سرمایه و تبدیل دارایی های ریالی به ارز و در مجموع متعادل سازی فشار تقاضاست و بر این اساس باید با مدیریت انتظارات تورمی و ارسال سیگنال های معتبر و مثبت، مقاومت بازار را کاهش داد تا تک نرخی شدن ناکام نماند. سیدعلی بر این باور است که برای تداوم سیاست جدید ارزی، داشتن نگاه ملی و نه شعاری، نظارت بر بازار، مدیریت رفتار کسبه، کنترل قیمت

بر اینکه کالاهایی که با نرخ ترجیحی وارد می شود، نه تنها ارزان به دست مصرف کننده نمی رسد؛ بلکه در بسیاری موارد با قیمت بازار آزاد و حتی بالاتر عرضه می شود. در جاهایی که امکان نظارت وجود داشت، شاید بخشی از این شکاف کنترل می شد، اما در بسیاری از موارد، ارز ارزان در اختیار نهادهای خاص، نیمه دولتی یا دولتی قرار می گرفت و کالا با سازوکار بازار آزاد قیمت گذاری و به بازار عرضه می شد و در نتیجه شاهد انتقال مستقیم منابع عمومی به جیب گروه های خاص، تشدید فساد و تعمیق شکاف طبقاتی بودیم.

این کارشناس ارزی ادامه می دهد: دولت با دو هدف سراخ تک نرخی شدن ارز رفته است و علاوه بر بستن مسیر رانت و قطع چرخه ای که هم منابع ارزی را می بلعید و هم اعتماد عمومی را فرسوده می کرد، تلاش می کند برای جبران معیشت مردم از مسیر دیگر یعنی انتقال یارانه از «نقطه تخصیص ارز» به «نقطه مصرف» وارد شود و ایده اصلی این است که به جای تزریق ارز ارزان در ابتدای زنجیره، فشار معیشتی از طریق یارانه مستقیم - حتی در حد پرداخت هایی مانند یک میلیون تومان - تا حدی جبران شود که این انتخاب، دست کم به صورت نظری، تصمیمی قابل دفاع است.

سیدعلی اضافه می کند: البته این اصلاح، شاید دیر هنگام باشد یا اگر چنین تصمیمی در دوران ثبات نسبی سیاسی و اقتصادی اتخاذ می شد، هزینه های اجتماعی به مراتب کمتری داشت، اما اکنون اقتصاد ایران در وضعیتی قرار گرفته که انتخاب ها دیگر داوطلبانه نیستند. تحریم، نااطمینانی مزمن و حتی سایه تنش و جنگ، دولت و بانک مرکزی را به نقطه ای

فرزانه غلامی | در روزهای جاری با ادغام دو تالار مرکز مبادله ارز و طلا، تأمین ارز کالاه و خدمات با نرخ روزانه و توافقی این مرکز و اعمال محدودیت در دامنه ارز ۲۸ هزارو ۵۰۰ تومانی، اجرای سیاست تک نرخی شدن ارز به مرحله عمل رسید.

با این سیاست جدید ارزی و همزمان با تغییر رئیس کل بانک مرکزی، ارز کالاهای اساسی (جز گندم و دارو) و خدماتی که پیش از این مشمول نرخ ترجیحی بودند، با نرخ توافقی تأمین می شود. بر این اساس نرخ تالار اول مرکز مبادله با افزایشی حدود ۴۵ هزار تومانی به نرخ تالار دوم (حواله) و بازار آزاد نزدیک تر شده و از این پس نرخ دوم (بالای ۱۳۰ هزار تومان در این لحظه) به عنوان نرخ رسمی، مبنای قیمت گذاری در نظر گرفته شده است؛ رقمی که البته در همین لحظه اختلافی حدود ۱۶ هزار تومانی با نرخ آزاد دارد.

با اجرای سیاست تک نرخی شدن ارز، شعاری پرتکرار و رؤیایی دیرینه در اقتصاد ایران، محقق و تعبیر شده است، اما صاحب نظران به ویژه با توجه به حساسیت ها و محدودیت های فعلی کشور معتقدند تداوم و توفیق این سیاست بدون مکمل و تدابیر معطف و مبتنی بر مقتضیات روز در حوزه معیشت مردم، اقدامات جبرانی، رصد دقیق بازار و روند واردات ممکن نیست.

■ارز تک نرخی؛ اصلاحی دیر هنگام اما ضروری و نیازمند نگاه ملی

معاون اسبق ارزی بانک مرکزی معتقد است در ادبیات اقتصادی، «یکسان سازی» نرخ زمانی معنا می دهد که حساب سرمایه باز باشد، هر فردی بتواند آزادانه از بانک ارز بخرد و بانک مرکزی نیز توان و ذخیره کافی برای دفاع بی قید و شرط از یک نرخ واحد را داشته باشد. آنچه اکنون در حوزه ارزی رخ داده، اساساً «یکسان سازی کلاسیک» نیست؛ بلکه تلاشی برای مهار توزیع رانت است؛ رانتی که سال هاست در دل ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی لانه کرده بود.

سید کمال سیدعلی به خبرنگار ما می گوید: تقریباً اجماع کاملی میان سیاست گذاران وجود داشت مبنی

تحلیل روز

رنگ آمیز | دولت در حال بررسی طرحی برای پایان یک بازی چندساله با معیشت مردم است که طی آن یارانه ارزی را مستقیم به دست مصرف کننده نهایی برساند، نه به واردکنندگان. هدف این است کالاهای اساسی با قیمت واقعی به مردم برسد و فضا برای رانت خوری و فساد بسته شود.

در سال های گذشته، یارانه کالاهای اساسی با هدف تضمین دسترسی مردم به اقلام ضروری و حمایت از معیشت خانوارها به ویژه اقشار ضعیف و متوسط، در قالب تخصیص ارز ترجیحی به واردکنندگان اجرایی شد. قرار بود واردکنندگان با دریافت ارز ارزان قیمت، کالاهای اساسی را با هزینه کمتر وارد کرده و با قیمت مناسب به دست مصرف کننده نهایی برسانند،

اما واقعیت های بازار تصویر دیگری را نشان می دهد. با وجود تخصیص ارز ترجیحی به کالاهایی همچون نهاده های دامی، برنج، روغن و سایر اقلام اساسی، این کالاهای با قیمت های بالا به دست مردم رسید و فاصله معناداری میان اهداف سیاست گذار و نتیجه نهایی ایجاد شد. به گونه ای که کارشناسان معتقدند ارز ترجیحی عملاً به بستری برای شکل گیری رانت و فساد تبدیل شده است. علاوه بر این، سیاست ارز ترجیحی اثرات منفی جدی بر تولید داخلی نیز بر جای گذاشت. ایجاد فضای غیررقابتی و نابرابر برای تولیدکنندگان داخلی، افزایش میل به واردات به دلیل جذابیت ارز ارزان و هجوم کالاهای خارجی به بازار، آسیب های جدی به بخش تولید وارد کرد؛ به طوری که بسیاری

کالاهایی که در مسیر واردات هستند و در مجموع ارسال نشانه های مثبت به مردم ضروری است.

■نقشه راه تبدیل تصمیمی اضطراری به سیاستی پایدار
ضرورت تک نرخی شدن ارز در اقتصاد ایران، سابقه ای طولانی به قدمت چند دهه دارد و هرازگاهی به تیتیر اصلی رسانه ها تبدیل می شود. از دولت سازندگی تا کنون، شعارها و حتی تلاش های عملی زیادی برای اجرای این سیاست صورت گرفته اما این هدف هر بار به دلایل مختلفی ازجمله شوک های نفتی، تحریم ها، نوسان های سیاسی و... محقق نشده است.

در دولت چهاردهم هم بارها بر عزم جدی برای اصلاح سیاست های ارزی و حرکت به سمت اجرای تک نرخی شدن و نظام شناور مدیریت شده از سوی بانک مرکزی با هدف کنترل نوسان های ارزی، حمایت از تولید و بهبود معیشت مردم تأکید کرده و امروز که این سیاست به اجرا رسیده اگر قرار باشد از تصمیمی اضطراری به سیاست پایدار تبدیل شود، باید همزمان روی دو ریل کنترل انتظارات تورمی و بازطراحی و بازآرایی نظام جبران معیشت مبتنی بر تغییرات احتمالی و با دقت روزافزون حرکت کند، در غیر این صورت حتی درست ترین تصمیم ارزی هم زیر فشار انتظارات جامعه و بازار، فرسوده می شود.

بسیاری از کارشناسان اقتصادی این روزها معتقدند نخستین شرط تداوم سیاست ارز تک نرخی، تثبیت ذهنی بازار است؛ چراکه مبتنی بر تجربه اقتصاد ایران، نرخ ارز بیش از آن که تابع عرضه و تقاضای لحظه ای باشد، اسیر «انتظارات» است و وقتی ارز ۲۸ هزارو ۵۰۰ تومانی با نرخ های بالای ۱۳۰ هزار تومان، جایگزین می شود، شوک قیمتی فقط به واردات محدود نمی ماند؛ بلکه به سرعت، قیمت کالاهای داخلی، خدمات، اجاره و حتی انتظارات مزدی را هم متلاطم می کند. در چنین فضایی، نقش بانک مرکزی فقط مدیریت بازار ارز نیست؛ بلکه مدیریت روایت بازار است بدان معنی که سیاست گذار باید به طور شفاف اعلام کند این نرخ جدید «نقطه تعادل» است، نه پله ای برای جهش های بعدی و هر ابهام، سکوت و یا پیام متناقضی، مستقیم به تشدید تورم انتظاری تبدیل می شود.

ریل دوم اما نحوه جبران بار تورمی است. حذف ارز ۲۸ هزارو ۵۰۰ تومانی و انتقال یارانه از «واردکننده» به «مصرف کننده» اگر ناقص یا نامنظم باشد، فشار مستقیم و مضاعف بر دهک های متوسط و پایین وارد می کند و در این میان یارانه نقدی یا کالا برگ، باید نه به عنوان ابزارهای موقتی برای کاهش زهر تورم؛ بلکه به صورت پرداخت هایی هدفمند، قابل پیش بینی و زمان بندی شده ادامه یابد؛ چراکه پرداخت های مقطعی و واکنشی خود به تشدید نااطمینانی دامن می زند.

در سطح کلان تر اما تداوم تک نرخی شدن بدون انضباط مالی و بازگشت ارزهای صادراتی به کشور ممکن نیست و اگر کسری بودجه از مسیر استقراض پنهان یا فشار به پایه پولی جبران شود، نرخ ارز جدید خیلی زود اعتبار خود را از دست می دهد.

به بیان خودمانی نمی توان ارز را تک نرخی کرد اما بودجه را چندنرخی و پر از تعهدات ناپایدار نگه داشت و همزمان، سیاست دستمزدهم باید واقع بینانه تر شود و فریز مزدی در کنار آزادسازی ارزی، ترکیبی است که بی شک نارضایتی اجتماعی را تشدید می کند. خلاصه کلام اینکه راهکار تداوم این سیاست نه «سروکوب قیمت» یا وعده های بزرگ؛ بلکه معامله ای شفاف با مردم است بدان معنی که اگر حذف رانت ارزی در ازای جبران مستقیم برای مردم و ثبات سیاستی در ازای تحمل کوتاه مدت فشار این اصلاحات، انجام شود، می تواند از یک جراحی دردناک به نقطه عطفی در اصلاح اقتصاد ایران تبدیل شود.

دولت راه پول را عوض کرد

یارانه از گمرک به سفره مردم می رود



برای کاهش هزینه واردات کالاهای اساسی و عرضه ارز آن ها به مردم طراحی شد، اما در عمل به درستی اجرا نشد و پیامدهای منفی متعددی برای اقتصاد کشور به همراه داشت. همین ناکارآمدی ها موجب شد دولت و مجلس به این جمع بندی برسند که حذف ارز ترجیحی و اصلاح این روند ضروری است.

دبیر فدراسیون صنایع غذایی و کشاورزی کشور افزود: در ترجیحی شرایط رانتی و غیررقابتی در اقتصاد ایجاد کرد. برخی با استفاده از روابط و رانت اطلاعاتی توانستند این ارز را دریافت کرده و واردات کم هزینه انجام دهند، در حالی که فعالان واقعی و قدیمی بازار از این امکان

محروم ماندند و عملاً از چرخه رقابت حذف شدند. این روند مصداق آشکار فساد اقتصادی است که آثار مخربی بر اقتصاد ملی برجای می گذارد. نقاشی با انتقاد از ضعف اجرای سیاست های اقتصادی تصریح کرد: یکی از مهم ترین معضلات اقتصاد کشور، فاصله میان سیاست گذاری و اجراست. معمولاً تصمیمات مناسبی اتخاذ می شود، اما در مرحله اجرا با اشکالات جدی همراه است. بنابراین دولت باید نظارت و دقت لازم را به کار گیرد تا طرح انتقال یارانه از ابتدای زنجیره به انتهای آن، به ویژه در حوزه کالاهای اساسی، به درستی و بدون آسیب به معیشت مردم عملیاتی شود.

وی ادامه داد: تخصیص ارز ترجیحی در هر حوزه ای اشتباه است و کشور باید به سمت تک نرخی شدن ارز حرکت کند. اگر دولت قصد حمایت از اقشار آسیب پذیر را دارد، این حمایت باید از مسیرهایی شفاف و مستقیم و نه از طریق ارز ترجیحی اعمال شود. مطالبه اصلی بخش خصوصی حذف کامل ارز ترجیحی و استقرار یک نرخ واحد ارز در اقتصاد کشور است. دبیر فدراسیون صنایع غذایی و کشاورزی کشور در پایان تأکید کرد: مهم ترین اقدام دولت، کنار گذاشتن تصدی گری و واگذاری واقعی امور به بخش خصوصی است. تجربه نشان داده هر جا بخش خصوصی واقعی میدان دار بوده، نتایج مثبتی حاصل شده است. در مقابل، تداخل فعالیت های دولتی و شبه دولتی در اقتصاد، جز رانت و فساد دستاوردی نداشته و بدون اصلاح این رویکرد، حل مشکلات اقتصادی کشور ممکن نخواهد بود.